

نگرشی فقهی بر ضرورت فرزندآوری در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری ط^له

ساجده العبدالخانی^۱، مریم برقی^۲

چکیده

فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان از گذشته تاکنون از دغدغه‌های عالمان دینی و کارشناسان خانواده و جمعیت بوده است. امروزه با ورود مردم به دوره زندگی مدرن و آشنایی با آموزه‌های غربی، این موضوع مورد تردید و بی‌مهری بسیاری از خانواده‌های قرار گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران سیاست کنترل و محدود کردن جمعیت از سال ۱۳۶۸ از سوی نهادهای حاکمیتی برای بروز رفت از مشکلات اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و تا سال‌های متمادی بدون توجه به عواقب سوء آن، اجرا شد. در سال‌های اخیر و با نمایان شدن خطرات جدی و جبران ناپذیر این سیاست، رهبر حکیم و فرزانه جمهوری اسلامی بیش از هر کس دیگر بر تجدیدنظر در این سیاست و بازگشت از آن تأکید کرده و عواقب سوء تداوم آن را گوشزد کرد. این فرمایشات که از سوی سکان دار نظام و ولی فقیه جامع الشرایط مطرح شده است علاوه بر پشتونه فکری و کارشناسی، از مستندات فقهی و شرعی نیز بهره‌مند است که می‌تواند به مثابه سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران مبنای عمل قرار گیرد. مقاله حاضر با استناد به سخنان مقام معظم رهبری ط^له، دیدگاه ایشان در زمینه جمعیت و تنظیم خانواده را با محورهای اساسی آن بیان کرده و با مراجعه به منابع فقهی و طرح و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مبانی و مستندات فقهی این دیدگاه را تبیین کرده است.

واژگان کلیدی: تنظیم خانواده، فرزندآوری، تکثیر نسل، مبانی فقهی، حکم

حکومتی، مقام معظم رهبری ط^له، سبک زندگی.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: sajida.2013@yahoo.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: m.borqhei@yahoo.com

۱. مقدمه

تنظیم خانواده در اصطلاح جمیعت‌شناسی عملی است آگاهانه واردی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف است. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) سیاست کنترل و محدود کردن جمیعت از سال ۱۳۶۸ در کشور ایران به دلایل مختلف مورد توجه مجاری قانون‌گذاری، اجرایی و بخش عمده تبلیغات کشور قرار گرفته است که باعث حرکت کشور به سمت کاهش جمیعت جوان در سال‌های آتی شده است. از آنجاکه این مسئله کشور ایران را در معرض خطرات جدی و جبران ناپذیری قرار داده است رهبر معظم انقلاب ط طی سال‌های اخیر این مسئله را با جدیت به مسئولین و ملت ایران بارها گوشزد کرده و خطرات تحدید نسل و راهکارهای افزایش جمیعت را به مناسبت‌های گوناگون بیان کرده است. بیانات معظم له با تأکید بر ضرورت توقف سیاست کنترل جمیعت در بردارنده نکات مهمی در قالب دیدگاه ایشان در زمینه سیاست جمیعتی کشور است. طرح این دیدگاه از طرف ولی امر مسلمین و فقیه جامع الشرایط نمایان گ آن است که این اندیشه علاوه بر پشتونهای علمی و کارشناسی بر ارزش‌ها و باورهای صحیح و محکم دینی نیز استوار بوده و نمی‌تواند بدون توجه به مبانی فقهی مطرح شده باشد. ازین‌رو، تبیین این دیدگاه و استخراج مبانی و مستندات فقهی آن علاوه بر معرفی هرچه بهتر این نظریه به مثابه سیاست جمیعتی جمهوری اسلامی ایران، به تدوین قوانین لازم در این زمینه و ایجاد سازوکارهای اجرایی آن کمک شایانی می‌کند. با تأمل در بیانات مقام معظم رهبری ط در حوزه جمیعت و خانواده، دیدگاه ایشان در زمینه جمیعت و تنظیم خانواده با سه محور اساسی معرفی می‌شود که عبارتند از: مطلوب بودن جمیعت متناسب؛ توجه به شاخصه‌های کیفی جمیعت؛ و اجتماعی بودن مسئله جمیعت و وظایف حاکمیت در این زمینه.

هدف نوشتار حاضر تبیین هریک از این محورها با استناد به بیانات معظم له و پرداختن به مبانی و مستندات فقهی آن است. امید است در برخه حساس‌کنونی که زنگ‌های خطر در زمینه کاهش جمیعت و لطمehای جبران ناپذیر آن به صدا درآمده است نوشتار حاضر به تقویت و گسترش این اندیشه ناب و کارآمد، کمکی هرچند ناچیز کند.

۲. طرح نظریات جمیعت‌شناسی

قبل از تبیین سه محور دیدگاه مقام معظم رهبری الله در زمینه جمیعت و تنظیم خانواده لازم است نظریات موجود نسبت به سیاست جمیعت مطرح شود. در عصری که محدودیت منابع طبیعی و کمبود منابع غذایی جهان به همراه بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها رشد بی‌سابقه جمیعت را به فاجعه بزرگ و انفجاری غیرقابل تبدیل کرده است توصیه سیاستمداران و اقتصاددانان غربی به جای سامان‌بخشی به شیوه توزیع ثروت در جهان، توصیه به باروری کنترل شده است. آنها معتقدند که برای جلوگیری از فقر، گرانی، قانون‌شکنی، قتل، غارت، تجاوز، ناامنی و انواع مفاسد و فتنه‌انگیزی به جان و مال افراد، به کنترل موالید و جلوگیری از زادوولد برنامه‌ریزی نشده با بهره‌گیری از روش‌های مدرن نیاز است. روش‌هایی که معرفی آنها به آحاد جامعه ضروری است. (طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۵۰) جمیعت‌شناسان، چهار نظریه مهم پیرامون جمیعت دارند که در انتهای سیاست جمیعتی اسلام نیز در قالب نظریه پنجم بیان می‌شود.

۲-۱. موافقین افزایش جمیعت

این نظریه بیشتر در دوران قدیم طرفدارانی داشت و حامیان آن با توجه به اینکه قدرت یک قوم را به واسطه کثرت جمیعت آن می‌سنجیدند با تحدید نسل، مخالف و از افزایش جمیعت یک قوم یا یک کشور جانبداری می‌کردند. (نیک‌خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴) طرفداران این نظریه با مطرح کردن اینکه امکانات کره زمین برای تغذیه تعداد بسیار زیادی به مراتب بیشتر از آنچه اکنون موجود است کافی به نظر می‌رسد به انتقاداتی از این دست بی‌توجه بودند (کتابی، ۱۳۶۴، ص ۲۳). برای مثال، یکی از مخالفین تقلیل جمیعت می‌گوید: «زمین قادر است با استفاده از تکنولوژی تا نه میلیارد انسان را تغذیه کند» (نیک‌خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۸). ریشه عمدۀ این تفکر در فضای خاص گذشته تاریخ است که قدرت یک قوم را در کثرت جمیعت که به کثرت سپاه، نیروی کار، آبادانی و عظمت سیاسی و اقتصادی آن قوم می‌انجامید، تعریف می‌کردند. حقیقتی که در زمان خود مسلم بود و انکار نشدنی و هنوز در زمان حاضر، رنگ و بوی خود را از دست نداده است به گونه‌ای که جوامع، اقوام و پیروان

مذاهب به واسطه کثرت جمعیت، حوزه‌های قدرتمند دارند. شاید بتوان در این باره به آیه «و یمددکم باموال و بنین» (نوح: ۱۲) استناد کرد که اولاد را در کنار اموال از مصادیق مدد الهی می‌داند.

۲-۲. مخالفین افزایش جمعیت

یکی از عقاید مطرح در قرن هجدهم و نوزدهم که موافقین بسیاری یافت و عمدۀ تلاش خود را به نفی رابطه فقر و توزیع نابرابر ثروت معطوف کرد نظریه فردی انگلیسی به نام توماس رابت مالتوس متولد ۱۷۶۶ بود که در گذر زمان توسط خود وی و طرفدارانش پروردۀ شد. وی به‌وضوح، فقر را ناشی از کثرت جمعیت می‌داند و مبارزه با فقر را در مخالفت با افزایاد نسل منحصر می‌کند. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۷۱۷) وی همچنین معتقد است جامعه نباید به فقرا کمک کند تا در اثر سختی معیشت، صاحب فرزند کمتری شوند (ابی، ۱۳۶۴، ص ۹۲). اشکالات متعددی بر سخنان مالتوس وارد شده که درجای خود قابل بررسی است (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۹۸). طبیعی است که خاستگاه عقیده مالتوس، حفظ نظام سرمایه‌داری و جلوگیری از روند سقوط این نظام است، البته در نگاه جهانی به مسئله باید گفت که بدون توجه به توزیع برابر و عادلانه ثروت، فقر جهانی با جلوگیری از کثرت جمعیت ازین نمی‌رود، هرچند روند شتابان فقر را کند می‌کند.

۳-۲. جمعیت ثابت

در این نظریه با کاهش و افزایش جمعیت مخالفت شده است. قائلین به این قول معتقد هستند که دگرگونی‌های جمعیت، نظام اجتماع را به هم می‌زند و باید جمعیت در اندازه موجود باقی بماند. جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) از هواداران معروف این عقیده است که بر ثبات جمعیت تأکید می‌کند. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) افلاطون معتقد بود که جمعیت یک شهر باید در همان حد ۵۰۴۰ نفر باقی و ثابت بماند و در این مسیر تا آنجا سختگیری می‌کند که حتی در برخی صور به ازین برد نوزادان حکم می‌کند (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳).

۴-۲. جمعیت متناسب

براساس این مینا، مطلوب‌ترین میزان تراکم جمعیتی که بتواند بیشترین محصول فردی را ایجاد کند حد کافی برای جمعیت شناخته می‌شود. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) این خلدون از موافقان این عقیده است (نیک‌خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۶). این عقیده آمیخته‌ای از نظریه‌های قبل است و در شرایط متفاوت، احکام متفاوتی صادر می‌کند. اگر در جامعه‌ای فقر شدیدی حاصل شد جمعیت کم می‌شود و اگر قدرت سیاسی قومی خاص به واسطه قلت جمعیت روبه ضعف نهاد، می‌توان حکم به تکثیر جمعیت داد. در این قول، کثرت و قلت اصالت ندارد و این دو تابع متغیرهای دیگری هستند. اگر این قول از منظر فقهی تفسیر شود کثرت و قلت جمعیت فاقد حکم مستقلی هستند و با نام‌گذاری‌های دیگر، احکام شرعی مختلفی را شامل می‌شوند.

۵-۲. سیاست جمعیتی اسلام

شاید در نگاه اولیه، نظریه چهارم براساس عقیده اسلام شمرده شود، ولی به نظر می‌رسد نظریه‌ای که از منابع فقه شیعه استفاده می‌کند استحباب تکثیر جمعیت است. تولیدمثل و فرزند متعدد داشتن بدون درنظر گرفتن موانع دیگر از نظر اسلام پسندیده است و حکم اولیه از نظر اسلام، استحباب تکثیر جمعیت است. بنابراین، اگر نظریه اول یعنی، نظریه طرفداران افزایش جمعیت به‌گونه‌ای تفسیر شود که به معنای مطلوبیت ذاتی و اولی کثرت جمعیت باشد هرچند در هیچ دوره‌ای از تاریخ نسبت به این امر وجوبی در کار نبوده است، می‌توان مدعی شد که دیدگاه اسلام موافق با همان عقیده نخستین است.

۳. مطلوب بودن جمعیت متناسب و مبانی فقهی آن

در فرمایشات مقام معظم رهبری الله مطلوب بودن جمعیت نمایان است آنچا که فرمود: «کشور ما یکی از نادرترین کشورها در زمینه‌های عمران و آبادانی است. ما اگر دو برابر امروز هم جمعیت داشته باشیم باز هم می‌توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم. من معتقد به کثرت جمعیتم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت

انجام بگیرد بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد». (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی

تغییرات جمعیتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹)

۳-۱. روایاتی که بر مطلوب بودن تکثیر اولاد دلالت می‌کنند

- روایاتی که دلالت دارند هنگام ازدواج، زنی را انتخاب کنید که فرزند زیاد می‌آورد. برای مثال،

صحیحه محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: «قال رسول الله ﷺ: تزوجوا بکرا ولودا ولا تزوجوا حسناء جميلة عاقرا: فإنی أباھی بکم الامم یوم القيامه؛ امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا علیه السلام فرمود: با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت، بر امت‌ها مباهات می‌کنم» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۳، ۲۰/۵۸). روشن است که تشویق به ازدواج با ولود و بیان علت آن یعنی، مباهات به فزونی جمعیت بر مطلوبیت فرزند زیاد دلالت دارد.

۳-۲. روایاتی که به ازدواج برای فرزندآوری تشویق می‌کنند

- صحیحه ابن رئاب عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: «تزوجوا فإنی مکاثر بکم الامم غدا فی القيامه؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۳۸۳)

روایتی که در کتاب خصال در حدیث چهارصدگانه از امام علی علیه السلام آمده است: «تزوجوا؛ فإن رسول الله كثيرا ما كان يقول: من كان يحب أن يتبع سنتي فليتزوج. فإن من سنتي التزويج و اطلبوا الولد فإنی أکاثر بکم الامم غدا؛ ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر بارها فرمود: کسی که دوستدار پیروی از سنت من است باید ازدواج کند. همانا ازدواج جزو سنت من است و در طلب فرزند باشید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی جمعیت شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم». (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۳، ۲۰/۸) اطلاق «اطلبوا الولد» بر محبوبیت زیاد شدن فرزند دلالت دارد. علتی که در ذیل روایت بیان شده نیز بر مطلوبیت آن دلالت دارد.

۳-۳. روایاتی که برمطلوب بودن افزودن بر تعداد فرزندان دلالت می‌کند

- «عن عده من أصحابنا عن أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ عن الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ جَدِّهِ الْحَسْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْثُرُوا الْوَلْدَ أَكْثَرَ بَكُمُ الْأَمْمَ غَدًا؛ اِمَامُ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ازْ پِيَامْبَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقْلٌ فَرَمَوْدٌ: بِرَتِّدَادِ فَرَزَنْدَانِ بِيْفَزَايِيدٍ؛ زِيرَا مِنْ دَرِّ رُوزِ قِيَامَتِ بِهِ فَزُونِي شَمَا بِرَامَتِهَا تَفَاخِرَ مِنْ كَنْمٍ». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶)

- «عن عده من أصحابنا عن احمد بن محمد عن بعض أصحابه انه قال: قال على بن الحسين علیه السلام: من سعادة الرجل أن يكون له ولد يستعين بهم؛ امام سجاد علیه السلام فرمود: از سعادت مرد، داشتن فرزندانی است که از آنها یاری جوید». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶)

- «عن عده من أصحابنا عن بكر بن صالح قال: كتبت إلى أبي الحسن علیه السلام: إنني اجتنبت طلب الولد منذ خمس سنين و ذلك لأن أهلي كرهت ذلك وقالت: إنه يشتند على تربيتهم لقلة الشيء فماتري؟ فكتب علیه السلام إلى: اطلب الولد فإن الله يرزقهم؛ از امام کاظم علیه السلام درنامه‌ای پرسیدم: پنج سال است که از بچه دار شدن اجتناب می‌کنم؛ زیرا همسرم از این کار ناخشنود است و می‌گوید: برای من تربیت و نگهداری فرزند با کمبود مالی مشکل است. شما چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشت: در پی فرزنددار شدن باش؛ زیرا روزی او را خدا می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۶).

این نکته در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام به وضوح دیده می‌شود: «همچنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روى دوش یک خانواده وضع زندگیشان چگونه خواهد شد فکر اين را هم بکنيد که اين چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاري پيدا کرند و شغلی پيدا کرند چه کمکی می‌توانند به پيشرفت کشور بکنند؛ يعني اين را هم باید فکر کرد». (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹) از روایات پیشین، استحباب داشتن فرزند و افزایش نسل به دست می‌آید نه وجوب آن. شاهد بر این مدعای تعلیل رسول اکرم علیه السلام است که فرمود: «بأنى أباهاى وأكاثر يوم القيامه» و تعلیل به آگنده شدن زمین از تسبیح و مانند این جملات که از آنها تنها محبوبیت و استحباب استفاده می‌شود. از روایات جواز عزل مانند صحیحه محمد بن مسلم قال: «سألت أبا عبد الله عن العزل - فقال ذاك إلى الرجل يصرفه حيث شاء؛ از امام

صادق علیه السلام درباره عزل پرسیدم، امام فرمود: اختیار آن به دست مرد است. هرجا که بخواهد، می‌تواند آن را ببریزد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۱۴۹). از روایات دیگری از این قبیل که مطلق عزل را جائز دانسته‌اند این نتیجه به دست می‌آید که جائز است انسان به‌طورکلی از داشتن فرزند خودداری کند چه رسد به جایی که عزل، سبب کم شدن فرزند شود (خرازی، ۱۳۷۹، ۲۱/۵۴).

۴. توجه به شاخصه‌های کیفی جمعیت و مبانی فقهی آن

رهبر انقلاب می‌فرماید: «من این را همینجا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بنشاط و تحصیل کرده و باسواند کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود نقش جوان‌های تحصیل کرده و آگاه و پرنشاط و پژنیرو را می‌بینید. ما باید در سیاست تجدید نسل تجدیدنظر کنیم». (بیانات معظم له در جمع مسئولان نظام، تابستان ۱۳۹۱) از مباحث پیشین این نتیجه به دست آمد که حکم اولیه اسلام در مورد تنظیم خانواده، استحباب و مطلوب بودن داشتن جمعیت زیاد است که جنبه کیفی آن مدنظر اسلام بوده است و اگر شاخصه کیفی منظور نباشد، بعيد است که تکثیر اولاد مستحب باشد. بنابراین، آنچه پیامبر ﷺ به آن توصیه کرد تکثیر فرزندان شایسته و نیکوست. بی‌شک، توجه به کیفیت و ابعاد روحی و جسمی فرزندان موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل می‌شود. اگر نشانه‌های اطمینان‌بخشی وجود داشته باشد که وجود فرزندان زیاد موجب در حرج قرار گرفتن والدین و نابسامانی زندگی آنها یا بازماندن از امور معنوی به دلیل اشتغال بیش از حد به امور فرزندان می‌شود کثرت فرزندان رجحانی نخواهد داشت. بنابراین، نظر اسلام، مطلوب بودن افزایش جمعیت و جمعیت برخوردار از ویژگی‌ها و کمالات جسمی، فکری و معنوی است نه جمعیت فاقد این ویژگی و شاخص‌ها.

۴-۱. توجه به سلامت جسمی

دین اسلام و پیامبر ﷺ در ترغیب افراد به افزایش جمعیت و داشتن فرزندان شایسته و نیکو توصیه کرده است. بی‌شک، توجه به کیفیت و ابعاد جسمی فرزندان موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل می‌شود. اگر نشانه‌های اطمینان‌بخشی وجود داشته باشد که بارداری موجب در حرج قرار گرفتن

والدين و ضرر به آنها و فرزندان شود دیگر تکثیر ولد رجحانی نخواهد داشت. از روایات باب رضاع این نتیجه به دست می‌آید که حمل در زمان رضاع منع شده تا فرزندان ضعیف بار نیایند.

«عن أبي الصباح الكنانى عن أبي عبدالله ع قال: سأله عن قول الله عز و جل- لا تضار والدة بولدها فقال كانت المراضع مما يدفع إحداهم الرجل إذا أراد الجماع تقول لا أدعك إنى أخاف أن أحبل فأقتل ولدى هذا الذى أرضعه؛ از تفسیر آیه لا تضار والدة بولدها از امام صادق ع سؤال شد. حضرت جواب داد: زنان شیرده از جماع با همسران ممانعت می‌کردن و می‌گفتند، می‌ترسیم باردار شویم و با این کار باعث کشتن فرزند شیرخوار خود شویم». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۱/۶)

«عن الحلبى عن أبي عبدالله ع نحوه و زاد و أما قوله و على الوارث مثل ذلك فإنه نهى أن يضار بالصبي أو يضار أمه فى رضاعه؛ در پاسخ سؤال از تفسیر آیه امام صادق ع همان مطالب فوق فرمود واضافه کرد و اما قول پروردگار. و على الوارث مثل ذلك؛ همانا خدای متعال نهی کرد که فرزند شیرخوار متحمل ضرر شود یا اینکه مادر او در حالت شیر دادن به او متضرر گردد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۱/۶)

۲-۴. توجه به تعلیم و تربیت

وظایف پدر و مادر، تربیت صحیح فرزندان است که روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است.

قال رسول الله ﷺ: «رحم الله عباداً عان ولده على بره بالإحسان إليه و التألف له و تعليمه و تأديبه؛ رحمت خدا بر کسی باد که در احسان و محبت به فرزند خود کوشای باشد و به او آداب خوب و نیک بیاموزد». (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۹/۱۵)

- «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلِمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَأَنْكَ مَسْؤُلٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدْبِ وَالدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّوَجَلَ وَالْمَعْوَنَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ....؛ وَأَمَّا حَقُّ فَرِزْنَدِ تُو، پَسْ بَدَانِي که او از توست و امتداد وجود توست و تو مسئول هستی بر آنچه متولی آن نسبت به فرزندت قرار داده شدی و وظیفه تو این است که او را خوب تأدب کنی و به خدا راهنمایی بکنی که ادب بیشتر به رفتارهای اجتماعی برمی‌گردد... به امور معنوی و روحی و دینی خاص برمی‌گردد». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۵/۱۵)

این روایت مربوط به تعلم است و حسن تأدب و دلاله و معونه علی طاعت رب و احسان که وظایفی است بر دوش پدر، البته الغاء خصوصیت می‌شود و مادر هم همین حکم را دارد.

۳-۴. توجه به معنویت

معیار در کثرت اموال و موالید از دیدگاه دینی آن است که اموال و فرزندان باید در حدی باشد که فکر و ذهن انسان را تا آنجا به خود مشغول نسازد که از دیگر امور مهم زندگی که در رأس آنها عبادت و اطاعت الهی و امور معنوی و اخروی است بازماند. مطلوب نبودن تکثیر موالید در صورت بازماندن از امور معنوی از برخی روایات برداشت می‌شود که اگر وجود فرزندان زیاد باعث شود انسان از امور معنوی بازماند و از یاد خدا غافل شود دیگر کثرت موالید استحبابی ندارد. بنابراین، نمی‌توان گفت که زیادی بر فرزند به طور مطلق پسندیده است. اینکه برخی روایات به ناپسندی زیادی فرزند اشاره دارند تأکیدی بر همین نکته است. در کافی آمده است: «پیامبر ﷺ با جمیع از جایی عبور می‌کرد. گرسنه بود و از کسی تقاضا کرد از پستان حیواناتشان شیر بدوشد، اما صاحب حیوانات شیر نداد. پیغمبر ﷺ فرمود: خدایا مال و فرزندانش را زیاد کن و از آنجا رفت و به شخص دیگری رسید. او مقداری شیر دوشید و آورد. پیغمبر ﷺ فرمود: خدایا! اورا به قدر کفاف روزی ده. سؤال کردند برای اولی که به شما شیر نداد آن گونه دعا کردی و برای دومی که به شما شیر داد این گونه دعا کردی. پیامبر فرمود: اگر مال و فرزند کم باشد بهتر از آن است که زیاد باشد و انسان را از یاد خدا بازدارد» (کلینی، ۱۴۰۷/۳، ۳۶۳).

شاید بهترین توجیه این حدیث آن است که مال و فرزند زیاد اگر باعث غفلت انسان از یاد خدا شود، مطلوب نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أيها الذين آمنوا لا تلهکم أموالكم و لا أولادكم عن ذکر الله و من يفعل ذلك فأولئك هم الخاسرون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مباد! ا اموال و فرزنداتان شما را از یاد خدا غافل کنند و هر کس چنین کند، پس آنها همان زیان کارانند» (منافقون: ۹). در روایت آمده است: قال رسول الله ﷺ: «یوشك أَن تداعی عَلَيْکُم الْأَمْمَ من كُلِّ أَفْقٍ كَمَا تَتَدَاعَى الْأَكْلَةُ عَلَى قَصْعَتِهَا، قَلْنَا: مَنْ قَلَةٌ بَنَا يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكُنْكُمْ غَثَاءُ كَغْثَاءِ السَّيْلِ، يَنْزَعُ اللَّهُ الْمَهَابَةَ مِنْ قُلُوبِكُمْ وَيَجْعَلُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ، قَيْلَ: وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: حُبُّ الْحَيَاةِ

وکراهیه الموت؛ نزدیک است که مسلمانان شما را مانند دعوت طعام خوران یک تبق دعوت نمایند برای تاراج کردن. کسی پرسید: این از جهت کم بودن ماست؟ حضرت فرمود: نه بلکه در آن روز بسیارید ولیکن مثل خاشاک بالای سیل پراکنده می‌باشد. خداوند خوف شما را از دل‌های دشمنانتان بر می‌دارد و در دل‌های شما ضعف می‌اندازد. پرسیدند وهن چیست؟ حضرت فرمود: حب دنیا و بد دیدن مرگ» (ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۳۷۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۱۸، ۱۲۰/۲).

۵. اجتماعی بودن مسئله جمیعت و وظایف حاکمیت در این زمینه

مبحث جمیعت هم جنبه فردی دارد مانند تربیت، نفقة و هم جنبه اجتماعی مانند اشتغال، بهداشت، امنیت و تحصیل. این مسئله در بیانات مقام معظم رهبری بدهش بهوضوح نمایان است آنجا که می‌فرماید: «فرزنده‌واری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم با عدم دقت‌هایی که از ماه‌ها سر زده یک برده‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد از همان چیزهایی است که اثرش بعدا ظاهر خواهد شد. وقتی هم اثرش ظاهر شد آن روز دیگر قابل علاج نیست، اما امروز چرا، امروز قابل علاج است. مانمی خواهیم این حل بنشود، گرهای ذهنی که وجود دارد باز بنشود، حقیقت قضیه روشن بنشود. فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی حرف اول رامی‌زند. باید فرهنگ‌سازی بنشود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است. بایستی از امکاناتی که در کشور وجود دارد، استفاده کنید. فکر را در کشور بگسترانید. (دیدار معظم‌له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمیعتی و...، ۱۳۹۲/۸/۹).

براساس فرمایش معظم‌له، حاکمیت وظیفه دارد شرایط و بستر مناسب را برای تحقق احکام اسلامی فراهم کند و در موضع خاص با اتخاذ تصمیم مناسب، جلوی خسارت اجتماعی را بگیرد.

۶. گستره حکم حکومتی در تنظیم خانواده

مسئله جمیعت مسئله شخصی و خانوادگی نیست، بلکه تأثیرات اجتماعی نیز دارد. بنابراین، حاکم می‌تواند با توجه به محدوده مصالح اجتماعی در این مسئله دخالت کند. وظیفه حاکم اسلامی در

مورد جمعیت در درجه اول، زمینه‌سازی اجرای احکام اسلامی و فراهم کردن امکانات لازم برای تربیت آحاد افراد جامعه است؛ زیرا براساس فرمایش مقام معظم رهبری رئاست جمهوری، بسیاری از مشکلات ناشی از سبک غلط زندگی است نه کمبودهای اقتصادی. در مرحله بعد، وظایف حاکم دخالت در موارد خاص براساس مصلحت جامعه و جعل قوانین برای تقلیل یا تکثیر جمعیت است. بنابراین، ولی امر مسلمین می‌تواند سلسله تصمیماتی برحسب مصلحت وقت بگیرد و براساس آنها مقرراتی وضع و اجرا کند. مقررات نامبرده لازم‌الاجرا و مانند مقررات شریعت معتبر است با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر است، ولی مقررات موضوع، قابل تغییر و در ثبات و در بقای تابع مصلحتی است که آنها را به وجود آورده است. (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۹۸)

تقلیل و تکثیر نسل امری است که برای هریک از زوجین رواست، اما وادار کردن هرکدام و یا هردوی آنها بر آن، نوعی تجاوز به حق مسلم آنهاست و کسی حق ندارد بدان کار مجبورشان کند. این سخن ازسوی غیرحاکم شرع روشن است. (مؤمن قمی، ۱۳۷۶، ۹/۱۲۷) اینکه آیا حاکم شرع می‌تواند مردم را به تنظیم خانواده ملزم کند یا نه باید گفت که حاکم شرع این حق را دارد؛ زیرا مقصود از حاکم شرع، فقیهی است که خداوند ولایت امر امت اسلامی را در زمان غیبت ولی‌الله عَزَّوجَلَّ به او سپرده و در جای خود ثابت شده است که استواری دولت اسلامی به درایت و رهبری آن بستگی دارد. امتیاز حکومت اسلامی بر سایر حکومت‌ها آن است که خداوند کسی را در رأس هرم این حکومت نشانده که ویژگی‌های مشخصی دارد و زمام امور امت را به دست او سپرده و وی را ولی و سرپرست آنها کرده است. این حقیقت در آیه: «إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»؛ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنان» (مائده: ۵۵) و نیز سخن پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم در روز غدیر که فرمود: «مَنْ كَنْتَ مَوْلَاهُ فَإِنَّمَا مَوْلَاهُ مَوْلَاهٌ» و سرپرست اویم، علی مولا و سرپرست اوست» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳/۱، ۶۵) و دیگر آیات و روایات گواهی شده است.

آیات و روایات، استواری حکومت اسلامی را در چارچوب ولایت ولی امر و امام امت می‌داند که در هنگام حضور امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ شخص او برعهده گیرنده این امر خواهد بود و نه کسی دیگر، مگر فردی که ایشان او را برگزیده و ولی خوانده باشد، اما در زمان غیبت، این ولایت از آن فقیه

جامع الشرایط و به ویژه کسی است که مدیریت جامعه اسلامی را برعهده دارد و معنای ولایت فقیه نیز همین است. لازمه ولایت یک فرد بر دیگری آن است که هرگاه ولی امر به اقتضای ولایت خود بر چیزی فرمان صادر کند دیگری هیچ اختیاری از خود نداشته باشد؛ خواه فرد باشد یا امت و جامعه باید فرمان او بی کم وکاست شنیده و پیاده شود: «و ما کان لمؤمن و لامؤمنة إذا قضى الله و رسوله أهراً أَن يَكُون لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ؛ هِيَّا مَرْدُ مُؤْمِنٍ وَ زَنْ مُؤْمِنَى رَانِرْسَدَ كَهْ چُون خَدَ وَ پِيَامِرْشَ در کاری حکم کردند آنها را در کارشان اختیاری باشد» (احزاب: ۳۶). امام خمینی رهنماهه علیه السلام فرمود: «مصلحت حفظ دین را قاعده‌ای زیربنایی در فقه سیاسی و حکومتی اسلام مطرح کردند که به عنوان یک واجب عقلی و ضرورت شرعی بی‌نیاز از دلیل است و تردید در آن شایسته است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۴۶۴/۲).

حفظ نظام اسلامی و پاسداری از حریم دین از واضح‌ترین مصادیق «ما لا يرضي الشارع بتركه» است. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۴۹۷/۲) هرگاه ولی امر مسلمین تشخیص دهد که صلاح جامعه در این است که زاده‌ولد تنظیم شود یا توصیه به قلت یا کثرت است یا هرگاه فرزند کمتر داشتن بهتر باشد، ولی امر مسلمین در این مورد دستور صادر می‌کند که هریک از خانواده‌ها باید تعداد خاصی فرزند داشته باشند. همچنین هرگاه در برده‌ای، مصلحت و نیاز جامعه به افزایش جمعیت باشد دستوری براساس آن صادر کرده و زوجین را به فرزندزایی و باروری بیشتر ترغیب می‌کند و برامت و جامعه اسلامی است که از این فرمان پیروی کنند. در عصر کنونی با توجه به روند پرستاب سیاست کنترل جمعیت در ایران و تأثیر گوناگون ناشی از اعمال این سیاست در عرصه‌های مختلف، رهبر معظم انقلاب رهنماهه علیه السلام از سال ۱۳۹۰ به طور جدی توقف سیاست کنترل جمعیت را خواستار شده و به صراحت اعلام کرده است که سیاست کشور باید بر ازدیاد جمعیت مستقر شود. «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» (دیدار معظم له با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، رمضان سال ۱۳۹۱). در تابستان ۱۳۹۱ رهبر انقلاب رهنماهه علیه السلام بار دیگر در جمع مسئولان نظام به مبحث

افزایش جمعیت اشاره می‌کند. «جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل کرده کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. ما باید در سیاست تجدید نسل تجدیدنظر کنیم. ما در سال ۱۳۷۱ به همان مقاصدی که از تجدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۱۳۷۱ به این طرف باید سیاست را تغییر می‌دادیم، خطا کردیم. تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور ازین برود» (دیدار معظم‌له با مسئولان نظام، رمضان سال ۱۳۹۱).

۷. نتیجه‌گیری

از مجموع روایات و ادله شرعیه این نتیجه به دست می‌آید که دین اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نسبت به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته و چنین نبوده که این اهتمام مختص به زمانی باشد که مسلمانان در قلت باشند؛ زیرا تغاییر واردہ در روایات در قالب یک قضیه حقیقیه و سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. بنابراین، از نظر حکم اولی، تکثیر اولاد و ازدیاد نسل امری است که پیامبر اکرم علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام به آن سفارش فراوانی کرده و آن را از مستحبات مؤکد می‌دانند. حکم اولی باید در جامعه اجرا شود و حکومت اسلامی و یا ولی فقیه موظف هستند حکم اولیه را در جامعه تبلیغ و تاسرحد امکان احکام اولیه را اجرا و جامعه را به این امر تشویق و ترغیب کنند. مگر اینکه حکم اولیه با حکم دیگری تراحم کند. ولی فقیه وظیفه دارد مهم را فدای اهم کند و از باب تقدیم اهم برمهم که هنگام تراحم اجرامی شود از اجرای حکم اولیه موقت ممانعت کند تا مانع برطرف شود. در عصر کنونی با توجه به روند پرستای سیاست کنترل جمعیت در ایران و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از اعمال این سیاست و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری الله و اشارات و تأکیدات ایشان بر موضوع جمعیت این نتایج به دست می‌آید:

- معموله معتقد است که کشور ایران به طور طبیعی و جغرافیایی ظرفیت و پذیرش جمعیت بیشتر را دارد؛
- سیاست کنترل جمعیت به دلایل مختلف در بازه‌ای از تاریخ ایران ضروری بوده است؛

- سیاست کنترل جمعیت باید از اوایل دهه هفتاد بازنگری و حتی متوقف می شد؛
- جمعیت جوان و برخورداری کشور از یک نمای جوان و پرنشاط، یکی از مهمترین شاخص ها و سرمایه های یک کشور است که می تواند حرکت و پیشرفت کشور را سرعت بخشد؛
- کاهش جمعیت جوان کشور، آسیبی جدی است؛
- مهمترین راهکار علاج وضعیت کنونی، فرهنگ سازی و ارائه الگوهای فرهنگی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات امیرالمؤمنین.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰). الملاحم والفتن فی ظهور الغایب المنتظر عَلَیْهِ السَّلَامُ. قم: الشریف الرضی.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۱). جمعیت‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه تهران.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸). جمعیت و تنظیم خانواده. تبریز: جامعه پژوهش دانیال.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد (۱۴۱۸). الكشف والبيان عن تفسير القرآن (تفسیر ثعلبی). بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- حرعامی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت عَلَیْهِ السَّلَامُ.
- خرازی، محسن (۱۳۷۹). عقیم‌سازی. قم: مجله فقه اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ.
- طباطبایی بروجردی، حسین (۱۳۸۳). جامع احادیث الشیعه. قم: المطبعه العلمیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۱). مرجعیت و روحا نیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طلعتی، محمد‌هادی (۱۳۸۳). رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین. قم: بوستان کتاب.
- قمی صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- قمی صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- كتابي، احمد (۱۳۶۴). نظریات جمعیت‌شناسی. تهران: اقبال.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). کتاب البیع. قم: اسماعیلیان.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۷۶). سخنی در تنظیم خانواده ۲. نشریه فقه اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ، (۹)، ۱۱۲-۱۳۵.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت عَلَیْهِ السَّلَامُ.
- نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۴). مبانی جمعیت‌شناسی. گتاباد: مرندیز.